چون الله بهشت و دوزخ را آفرید جبرئیل علیه السلام را فرستاد

از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ أَرْسَلَ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْجَنَّةِ، فَقَالَ: انْظُرْ إِلَيْهَا وَإِلَى مَا أَعْدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا. فَنَظَرَ إِلَيْهَا فَرَجَعَ، فَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَا يَسْمَعُ بِهَا أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَهَا. فَأَمَرَ بِهَا فَحُفَّتْ بِالْمَكَارِهِ، فَقَالَ: اذْهَبْ إِلَيْهَا فَانْظُرْ إِلَيْهَا وَإِلَى مَا أَعْدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا. فَنَظَرَ إِلَيْهَا، فَإِذَا هِيَ قَدْ حُفَّتْ بِالْمَكَارِهِ، فَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَقَدْ خَشِيتُ أَنْ لَا يَدْخُلَهَا أَحَدٌ. قَالَ: اذْهَبْ فَانْظُرْ إِلَى النَّارِ وَإِلَى مَا أَعْدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا. فَنَظَرَ إِلَيْهَا فَإِذَا هِيَ يَرْكَبُ بَعْضُهَا بَعْضًا، فَرَجَعَ فَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَا يَدْخُلُهَا أَحَدٌ. فَأَمَرَ بِهَا فَحُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ، فَقَالَ: ارْجِعْ فَانْظُرْ إِلَيْهَا. فَنَظَرَ إِلَيْهَا فَإِذَا هِيَ قَدْ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ، فَرَجَعَ وَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَقَدْ خَشِيتُ أَنْ لَا يَنْجُوَ مِنْهَا أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَهَا»: «چون الله بهشت و دوزخ را آفرید جبرئیل علیه السلام را فرستاد به بهشت، و فرمود: به آن و آنچه برای اهل آن آماده کرده‌ام بنگر. پس به آن نگریست و برگشت و گفت: سوگند به عزت تو که کسی درباره‌اش نمی‌شنود مگر آنکه وارد آن خواهد شد. پس امر نمود که با ناخوشی‌ها پوشانده شد و فرمود: به آنجا برو و آن و آنچه را برای اهل آن آماده کرده‌ام بنگر. پس آن را دید که با ناخوشی‌ها پوشانده شده است؛ پس گفت: قسم به عزت تو که بیم دارم کسی به آنجا وارد نشود. فرمود: پس برو و به آتش و آنچه برای اهل آن آماده کرده‌ام، بنگر. پس آن را دید که هر بخش آن بر بخش دیگر سوار است آنگاه برگشت و گفت: به عزت تو قسم که کسی وارد آن نمی‌شود! پس امر کرد و دوزخ با شهوت‌ها پوشانده شد، سپس فرمود: برگرد و به آن بنگر. پس به آن نگریست و دید که با شهوت‌ها پوشانده شده است، آنگاه برگشت و گفت: به عزت تو سوگند، بیم دارم که کسی از آن نجات نیابد مگر آنکه وارد آن شود».

[حسن است] [به روایت ابوداوود و ترمذی و نسائی]

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می‌دهد که وقتی الله بهشت و دوزخ را آفرید، به جبرئیل علیه السلام فرمود: به بهشت برو و به آن بنگر. پس جبرئیل به آنجا رفت و بهشت را بررسی کرد و سپس برگشت، آنگاه جبرئیل گفت: پروردگارا، به عزت تو سوگند که کسی دربارۀ آن و نعمت‌ها و مکارم و خیراتی که در آن هست نمی‌شنود مگر آنکه دوست دارد وارد آن شود و برای آن تلاش می‌کند. سپس الله بهشت را با ناخوشی‌ها و سختی‌ها از جمله انجام اوامر و دوری از نواهی پوشاند؛ بنابراین هرکه می‌خواهد وارد بهشت شود باید از این ناخوشی‌ها بگذرد و آنها را رعایت کند. پس از آنکه الله عزوجل بهشت را با ناخوشی‌ها پوشاند، فرمود: ای جبرئیل! برو و بهشت را ببین که او رفت و بهشت را دید، آنگاه آمد و گفت: پروردگارا، به عزت تو سوگند که بیم دارم به سبب سختی‌ها و دشواری‌هایی که در راه بهشت است، کسی به آن وارد نشود. و هنگامی که الله آتش را آفرید، گفت: ای جبرئیل! برو و آن را ببین، پس رفت و آتش دوزخ را دید، سپس جبرئیل آمد و گفت: پروردگارا! به عزت تو سوگند که کسی دربارۀ عذاب و سختی‌ها و زجرهای آن نمی‌شنود مگر آنکه از داخل شدن به آتش متنفر شده و از اسباب وارد شدن به دوزخ دوری خواهد گزید. سپس الله عزوجل راه رسیدن به دوزخ را با شهوت‌ها و لذت‌ها پوشاند، آنگاه گفت: ای جبرئیل، برو و آن را ببین، پس جبرئیل رفت و آن را دید و برگشت و گفت: پروردگارا، به عزت تو سوگند آنقدر شهوت‌ها و لذت‌ها اطراف آن را گرفته که بیم دارم و می‌ترسم کسی از آن نجات نیابد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/65034